

عنوان مقاله:

منشا آفرینش و جایگاه انسان در شعر بیدل دهلوی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات شبه قاره، دوره 6، شماره 18 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

حجت اله جوانی - استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا

سمیه خادمی - دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا

خلاصه مقاله:

جایگاه والای بیدل دهلوی در ادبیات عرفانی و معانی و مضامین بلند و ژرف در اشعار او، قابل تفسیر و بررسی است. مقاله ی حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی دیدگاه بیدل درباره ی منشا آفرینش و جایگاه انسان در عالم خلقت پرداخته است. در آثار بیدل، اعتقاد به تجلی خداوند و وحدت وجود و جایگاه انسان کامل در آفرینش جهان، به طور چشمگیری مشهود است. بیدل تمام جهان هستی را تجلی حضرت حق می‌داند. او معتقد است که منشا آفرینش عالم و انسان، عشق است و این عشق در تمام هستی جریان دارد. بیدل مبنای عرفان خود را وحدت وجود معرفی می‌کند و معتقد است که تمام کثرات این عالم، ریشه در وحدت دارد. البته بیدل کثرت را هم به رسمیت می‌شناسد و معتقد است که با عبور از این کثرات، می‌توان به وحدت رسید. او برای تبیین عقیده ی وحدت وجودی خویش از تمثیلهایی مانند خیال، آیینه، موج و دریا، حباب و دریا، سلسله‌ی اعداد و... استفاده می‌کند. بیدل مانند سایر متصوفان هدف از خلقت و نظام آفرینش را وجود انسان کامل می‌داند. انسان کامل از نظر بیدل آیینیهی تمام نمای خداوند، خلاصه- ی اعیان و زبدهی آفاق است. بیدل پیامبر اسلام(ص) را به عنوان انسان کامل معرفی می‌کند و هدف از آفرینش جهان را وجود حضرت محمد (ص) می‌داند.

کلمات کلیدی:

بیدل دهلوی، تصوف، تجلی، عشق، وحدت وجود، کثرت، انسان کامل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/889592>

